آخرین آمار: ۶ کشته و ۲۹ زخمی

آوار متروپل در آبادان

■ حسین فصیحی

آور شدن برج ۱۰طبقه آنهم پیش از بهره‌برداری فقط می‌تواند یک دلیل روشن داشته باشد و آن هم تخلف‌های صورت گرفته از سوی سازندگان یا چشم‌پوشی ناظران است. تخلف‌هایی که بدون توجه به جان و مال مردم صورت می‌گیرد و منجر به برجای ماندن خسارت‌های غیرقابل جبران می‌شود. براساس آخرین آمار تا لحظه تنظیم خبر این حادثه ۶ کشته و ۲۹ مجروح برجای گذاشته است. رئیس جمهور با صدور یک فرمان معاون اول خود را مأمور رسیدگی به حادثه کرده است.

ساعت ۱۲:۳۰ روز گذشته حادثه‌ای غم‌انگیز فضای رسانه‌ای را تکان داد و بار دیگر حادثه پلاسکو را در ذهن‌ها زنده کرد. پیش از اینکه خبر به رسانه‌های رسمی راه پیدا کند، این کاربران شبکه‌های اجتماعی بودند که با انتشار فیلم و تصاویر، خبر ریزش ساختمان ۱۰طبقه متروپل در خیابان امیری آبادان را به اشتراک گذاشتند. گزارش‌هایی که لحظه به لحظه از وقوع حادثه به اشتراک گذاشته می‌شد نگرانی درباره چرایی وقوع حادثه را مورد پرسش قرار می‌داد. از جمله فیلم‌های به اشتراک گذاشته شده مربوط به مردی بود که گفت امدادگر است. او با وجود اینکه تجهیزات امدادی ندارد خودش را به پارکینگ می‌رساند و می‌گوید برای امداد آمده و از بازماندگانش طلب حلالیت کرده بود.

برج‌های دو قلوی متروپل به‌عنوان بزرگ‌ترین و کامل‌ترین مجموعه پزشکی، اداری، تفریحی، تجاری و پارکینگ طبقاتی در منطقه جنوب غرب خوزستان در مراحل پایانی قرار داشت که بنا به دلایل فنی متوقف شده بود.

■ سختی امداد در تجمع‌های مردمی

همزمان با ریزش ساختمان سیل مردم برای امدادرسانی یا کنجکاوی به محل حادثه گسیل شد. تصاویر دریافتی از شبکه‌های اجتماعی به خوبی گویای این بود که آبادان نیروی امداد و آموزش دیده برای مقابله با ریزش آوار و حوادث بزرگ را ندارد، با این حال همان توان موجود از آتش نشانان و امدادگران اورژانس، هلال احمر و سگ‌های زنده‌یاب در محل حاضر شدند. همچنین خبر رسید که تیم‌های امداد از شهرهای اطراف برای کمک در محل حاضر شده‌اند. غلظت گرد و غبار بیش از ۴۲ درصد حد مجاز و شعاع دید کمتر از ۱۰۰ متر عملیات امداد را برای امدادگران دشوار کرده بود. هر چند تیم‌های پلیس برای برقراری نظم در خیابان‌های اطراف برای تسهیل در امداد و نجات به کار گرفته شده بود، اما تجمع زیاد مردم در محل حادثه امکان امدادرسانی را با سختی زیاد مواجه کرد. اتفاقی که همواره با بروز سوانح و حوادث رقم می‌خورد و بخش مهمی از توان نیروهای امداد و امنیت باید صرف مهار شهروندانی شود که برای کنجکاوی در محل حاضر می‌شوند، در حالی که مصدومان و مجروحان حادثه باید به سرعت به مراکز درمانی منتقل شوند و گرفتار شدن آنها در ترافیک‌های ایجاد شده می‌تواند به قیمت جانشان تمام شود.

■ احتمال ریزش ساختمان‌های اطراف

احتمال ریزش ساختمان‌های کناری، اتفاقی بود که هر لحظه امکان بروز آن وجود داشت. با وجود موانع موجود برای امداد، تلاش برای تخلیه ساختمان‌های اطراف به سرعت در دستور کار قرار گرفت. شدت بروز حادثه به حدی بود که ساکنان ساختمان‌های اطراف به گمان بروز زمین لرزه در ساختمان پناه گرفته یا از آن فرار کرده بودند. هر چند شمار افرادی که قبل از وقوع حادثه در ساختمان متروپل حضور داشتند مشخص نبود، گمانه‌زنی‌ها براساس گزارش‌های مردمی از گرفتار شدن حدود ۸۰ نفر حکایت داشت. با این حال مردم و امدادگران با جست‌وجو میان آوار پیکرهای نیمه‌جان افراد گرفتار شده را خارج و به مراکز درمانی منتقل می‌کردند. رئیس سازمان اورژانس از احتمال حبس شدن ۵۰ نفر خبر داد. همچنین اعلام شد در ساعات اولیه ۳۲ نفر از میان آوار نجات یافتند.

■ احتمال ریزش آوار روی امدادگران

ریزش آوار، ساختمان آزمایشگاه کناری را هم دچار حادثه کرده‌بود به طوری که کارکنان و بیمارانی که در محل حضور داشتند، در ساختمان گرفتار شده بودند. شرایط ناپایدار در ساختمان کنار محل حادثه، امدادرسانی را با سختی زیاد مواجه کرده‌بود، چراکه هر لحظه امکان ریزش آوار روی سر امدادگران وجود داشت با این وجود عملیات امداد و نجات برای رهایی افراد گرفتار شده از میان آوار در همان شرایط دشوار همچنان در حال انجام است.

■ نوش دارو بعد از مرگ سهراب

در اولین واکنش برای برخورد بر مسببان حادثه اعلام شد که پیمانکار و مالک ساختمان به دستور حمید مرانی‌پور دادستان ویژه آبادان بازداشت شدند. بازداشتی که نوش داروی بعد از مرگ سهراب است و باید قبل از بروز حادثه با هشدار به متولیانش از ایجاد شدن خطر پیشگیری می‌شد، چراکه براساس اظهار نظرهای مطرح شده از سوی مراجع رسمی ساختمان در معرض ریزش قرار داشت و باید برای جلوگیری از این اتفاق، سازوکارهای لازم برای آن به کار گرفته می‌شد. بدون تردید اگر چنین اتفاقی رقم می‌خورد، شهردار آبادان روز گذشته ناچار نمی‌شد از دست مردم فرار کند. تجربه نشان داد که افراد بازداشت شده با سپردن وثیقه آزاد خواهند شد. اتفاقی که در حوادثی مثل ساختمان سینای اطهر اتفاق افتاد؛ حادثه آتش‌سوزی که سال ۹۹ رقم خورد و در جریان آن ۱۹ پزشک و متخصص جانشان را از دست دادند. افراد بازداشت شده بعد از چند روز با سپردن وثیقه آزاد شدند و با دایر کردن کلینیکی دیگر به فعالیت‌شان ادامه دادند و بازماندگان قربانیان هنوز هم برای احقاق حقشان پله‌های دادسرا و دادگاه‌ها را بالا و پایین می‌کنند که این رویه بعید نیست با فاصله گرفتن از این حادثه هم رقم بخورد.

■ هشدار پایان کار نیست

سازمان نظام مهندسی خوزستان در یکی از گزارش‌هایی که در پایگاه اطلاع‌رسانی خود منتشر کرده، آورده است که در جریان یکی از بازدیدها نمایندگان نظام مهندسی روند اجرایی پروژه را به‌صورت کامل مورد بررسی و کنترل قرار داده و ضمن تذکر در خصوص ایرادات موجود، موارد و مشکلات یافت شده را صورتجلسه کردند. حسین عبدالباقی، مالک و سرمایه گذار پروژه مشکلات یا ایرادات ابلاغ شده را پذیرفته و بر رفع آن تأکید کرده‌بود. هیئت نظام مهندسی برای رفع ایرادهای مطرح شده ضرب الاجل تعیین کرده‌بود تا در بازدیدهای بعد موانع موجود رفع شود، اما مشخص است که برای رفع آن اقدام نکرده و سازمان نظام مهندسی و سازمان‌های ناظر دیگر هم به وظیفه قانونی‌شان عمل نکرده‌اند.

این که از سوی مراجع رسمی اعلام می‌شود که متخلفان هشدار دریافت کرده بودند، نمی‌تواند از سوی افکار عمومی پذیرفته شود. این امر زمانی پذیرفته می‌شود که منجر به ایجاد شرایط پایدار برای حفاظت از جان و مال مردم باشد. اگر ساختارهای قانونی در این باره دست و پای ناظران از جمله شهرداری، آتش نشانی، سازمان نظام مهندسی و این قبیل را بسته باید که نسبت به رفع آن اقدام شود. اگر در شرایط موجود ناظران قانونی نتوانند مانع بروز تخلف شوند قانون به چه کار می‌آید؟

■ دستور ویژه رئیس جمهور بر رسیدگی فوری

رئیس جمهور که به عمان سفر کرده‌است، به معاون اول خود دستور داد تمامی امکانات استانی و کشوری برای رسیدگی فوری به سانحه به کار گرفته شود. حجت الاسلام ابراهیم رئیسی دستور داد با توجه به اعلام نیاز استاندار خوزستان، نیروهای امدادی و امکانات لازم برای آواربرداری و امداد، از سازمان آتش نشانی تهران به صورت فوری به آبادان اعزام شوند و برای شناسایی تخلفات منجر به این حادثه نیز، به صورت عاجل اقدام شود و برخورد شدید و غیرقابل اغماض با متخلفان در دستور کار قرار بگیرد. رئیس جمهور ضمن ابراز همدردی صمیمانه با خانواده‌های جان‌باختگان دستور داد رسیدگی به وضعیت این خانواده‌ها در اولویت قرار گیرد.

مرد طلبکار از چوبه دار فاصله گرفت

مرد محکوم به مرگ که در جریان درگیری بر سر گرفتن طلبش مرتکب قتل شده است، با جلب رضایت اولیای دم از طناب دار فاصله گرفت.

به گزارش جوان، سال ۹۶ مأموران کلانتری ۱۱۳ بازار، از درگیری منجر به قتل مقابل یکی از بانک‌های خیابان ۱۵ خرداد باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد درگیری بین مردی جوان با مرد بازاری به نام ایوب اتفاق افتاده است و در آن درگیری ایوب با شلیک گلوله به قتل رسیده‌است.

عامل قتل جواد نام داشت که حین فرار از سوی شاهدان حادثه دستگیر شده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، جواد به اداره پلیس منتقل شد و با اقرار به قتل گفت ایوب را به خاطر بدهی خواهرزاده‌اش به قتل رسانده است. او در شرح ماجرا گفت: «ایوب را می‌شناختم. او بازاری و دارای اعتبار بود. روزی خواهرزاده او از من مبلغی پول خواست. وقتی موضوع را به ایوب گفتم او واسطه شد و من هم به خاطر شناختی که از او داشتم آن مبلغ را به خواهرزاده‌اش به نام افشین قرض دادم. قرار بود افشین سر تاریخ مشخصی بدهی‌اش را بپردازد، اما موعد پرداخت بدهی رسید، ولی از افشین خبری نشد. چند باری هم با او تماس گرفتم، اما او مدام امروز و فردا می‌کرد.»

متهم ادامه داد: «وقتی پیگیری‌هایم از افشین نتیجه نداد، سراغ دایی او که ایوب بود، رفتم. به او گفتم به خاطر اعتبار او به افشین پول داده‌ام، اما او گفت این موضوع به او ربطی ندارد و بعد گفت من پول را به خواهرزاده او داده‌ام و باید از خودش پس بگیرم. از شنیدن این حرف شوکه شدم و گفتم تو واسطه شده بودی ولی او با عصبانیت دوباره گفت این موضوع ربطی به او ندارد، سپس خواست دیگر سراغش نروم.»

متهم در حالی که صدایش می‌لرزید، گفت: «آن زمان شرایط مالی خوبی نداشتم و لازم بود هر چه زودتر پولم را از افشین پس بگیرم. این شد که دوباره سراغ افشین رفتم، اما فایده نداشت. خیلی فکر کردم و به این نتیجه رسیدم که احتمالاً صحبت دوباره با دایی افشین مرا به پولم می‌رساند، چون او وضع مالی خوبی داشت. این شد که تصمیم گرفتم به دیدنش بروم تا اینکه در خیابان ۱۵ خرداد او را مقابل بانک صادرات دیدم. همان جا نزدیکش شدم و دوباره موضوع بدهی ام را با او مطرح کردم. ایوب وقتی حرفم را شنید بار دیگر با عصبانیت اعتراض کرد. هرچه خواستم او را متقاعد کنم که پیگیری از افشین من را به پولم نمی‌رساند، فایده‌ای نداشت این شد که عصبانی شدم و با اسلحه‌ای که همراهم بود به طرف ایوب شلیک کردم. باور کنید قصد کشتن او را نداشتم و می‌خواستم او را بترسانم تا به پولم برسم، اما مرگ او رقم خورد.»

آن مرد بعد از اقرار به جرمش و بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم در اولین جلسه محاکمه مقابل هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت. در آن جلسه اولیای دم درخواست قصاص کرد. در ادامه متهم با اقرار به جرمش گفت: «وقتی ایوب گفت این موضوع به او ربطی ندارد خیلی ناامید شدم و فکر کردم دیگر نمی‌توانم پولم را پس بگیرم. این شد که از شدت عصبانیت دست به اسلحه شدم و شلیک کردم.» او در پاسخ به سؤال هیئت قضایی درباره حمل سلاح نیز سکوت کرد و حرفی نزد.

جواد با حکم قضایی به مرگ محکوم شد و این حکم با اعتراض وکیل او به دیوان عالی کشور فرستاده شد، اما از سوی قضات یکی از شعبات آن تأیید شد. با تأیید حکم قصاص متهم پای چوبه‌دار رفت، اما توانست از اولیای دم مهلت بگیرد تا رضایت آنها را جلب کند.

به این ترتیب مرد طلبکار با پرداخت دیه توانست از مرگ نجات پیدا کند. به این ترتیب پرونده این بار از جنبه عمومی جرم به آن شعبه فرستاده شد تا متهم این بار از جنبه عمومی جرم از خودش دفاع کند.

زورگیر خشن به دام پلیس افتاد

مأموران پلیس تهران زورگیر خشنی را که هنگام سرقت مردی را زخمی کرده‌بود، به دام انداختند.

به گزارش جوان، شامگاه یک‌شنبه اول خرداد، مأموران کلانتری ۱۷۳ امین‌آباد در حال گشت زنی در شهرک توحید فیروزآباد متوجه فریادهای کمک‌خواهی مردی شدند که از ناحیه بازو زخمی شده بود. مرد زخمی که به شدت ترسیده بود، وقتی مأموران پلیس را دید، گفت: «در راه بازگشت به خانه بودم که ناگهان مرد ناشناسی سد راهم شد. او قصد زورگیری داشت و با تهدید سلاح از من خواست وسایل و پول نقدی را که همراه دارم به او بدهم. مقاومت کردم که یکدفعه او با چاقو به بازویم زد و فرار کرد.»

بعد از توضیحات مرد زخمی و ثبت مشخصات زورگیر خشن، مأموران جست‌وجو برای دستگیری سارق خشن را آغاز کردند تا اینکه کمتر از ۱۰ دقیقه متهم در حال فرار را شناسایی و بازداشت کردند.

سرهنگ دوستعلی جلیلیان، فرمانده انتظامی شهرستان ری درباره این خبر گفت: «متهم بعد از انتقال به کلانتری و اقرار به جرم ارتکابی خود، برای تحقیقات بیشتر به مراجع قضایی معرفی شد.»

قتل قبل از عروسی

قاتل فراری که ۲۰ روز قبل از مراسم عروسی‌اش مرتکب قتل شده بود در کلبه جنگلی در شمال کشور بازداشت.

به گزارش جوان، ساعت ۲۴ شامگاه سه‌شنبه ششم اردیبهشت امسال مأموران کلانتری ۱۴۹ امامزاده حسن در جنوب تهران تلفنی قتل پسر جوانی را به قاضی ساسان غلامی بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند. مأموران اعلام کردند، ساعتی قبل دو پسر جوان ۲۳ و ۲۷ ساله به نام‌های شایان و کیوان در نزدیکی مغازه سوپرمارکتی در یکی از خیابان‌های منطقه امامزاده حسن با هم درگیر می‌شوند که در جریان پسر ۲۳ساله با چاقو طرف مقابلش زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود، اما بر اثر شدت خونریزی در اتاق عمل به کام مرگ می‌رود.

بدین ترتیب بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند و در آنجا دریافتند قاتل پس از حادثه از محل گریخته است، اما مأموران پلیس دوست او را که در صحنه حادثه حضور داشته بازداشت کرده‌اند.

دوست قاتل در بازجویی‌ها گفت: «ساعتی قبل از حادثه همراه کیوان برای قدم زدن بیرون آمدیم تا اینکه جلوی مغازه سوپر مارکتی با شایان روبه‌رو شدیم. شایان و کیوان مدتی بود در محل برای هم کری می‌خواندند و برای هم شاخ و شانه می‌کشیدند، اما هرگز فکر نمی‌کردم آنها درگیری مرگباری را رقم بزنند، چون قبل از این هم چند باری با هم کتک کاری کرده بودند. لحظه حادثه وقتی سیگار خریدیم و از مغازه بیرون آمدیم، کیوان و شایان با هم چشم در چشم شدند و مثل همیشه برای هم شاخ و شانه کشیدند که ناگهان درگیری آنها بالا گرفت و برای هم چاقو کشیدند و دوستم من هم با چاقو ضربه‌ای به شایان زد. وقتی او غرق در خون روی زمین افتاد هر دو از ترس فرار کردیم، اما مأموران پلیس مرا که در درگیری دخالتی نداشتم، دستگیر کردند.»

■ بازداشت قاتل فراری

مأموران پلیس همزمان با انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی برای دستگیری قاتل فراری وارد عمل شدند، اما متوجه شدند وی پس از حادثه از خانه‌شان به مکان نامعلومی گریخته است.

بدین ترتیب تحقیقات برای دستگیری قاتل ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل به مأموران پلیس خبر رسید، قاتل فراری به یکی از شهرهای استان گلستان فرار کرده و در کلبه جنگلی زندگی مخفیانه‌ای را شروع کرده است.

سپس مأموران با گرفتن نیابت قضایی به استان گلستان رفتند و متهم را در مخفیگاهش بازداشت و به تهران منتقل کردند.

قاتل در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد و گفت: «من و شایان مدتی بود با هم اختلاف داشتیم و چند باری هم مشاجره و درگیری داشتیم. چند روز قبل از حادثه به خواستگاری دختری رفتم و خانواده هایمان توافق کردند با هم ازدواج کنیم. قرار بود ۲۰ روز دیگر مراسم عروسی‌مان را برگزار کنیم و به همین خاطر من روز حادثه همراه دوستم به بنگاه‌های املاک محل رفتیم و دنبال اجاره خانه‌ای بودم تا با همسر آینده‌ام زندگی جدیدمان را شروع کنیم. آن شب تا دیر وقت بیرون بودیم و دقایقی قبل از حادثه همراه دوستم به مغازه‌ای رفتیم و سیگار خریدیم. وقتی از مغازه بیرون آمدم با شایان روبه‌رو و چشم در چشم شدم. خیلی توجهی نکردم و همراه دوستم از کنارش عبور کردم، اما شانه‌ام به شانه‌اش برخورد کرد و من به او اعتراض کردم و درگیری ما آغاز شد. او چاقویی از جیبش بیرون آورد و به من حمله کرد و من هم می‌خواستم چاقویش را بگیرم که متوجه نشدم چطور چاقو به او اصابت کرد.»

■ زندگی در کلبه جنگلی

وی ادامه داد: «وقتی دیدم شایان غرق در خون روی زمین افتاد، از ترس همراه دوستم فرار کردیم و من همان شب به زادگاه پدری‌ام در یکی از شهرهای استان گلستان در شمال کشور گریختم. ابتدا فکر نمی‌کردم شایان فوت کرده باشد، اما وقتی روز بعد فهمیدم او فوت کرده است، تصمیم گرفتم به تهران برنگردم و به کلبه جنگلی رفتم و در آنجا زندگی مخفیانه‌ای را شروع کردم، اما مأموران پلیس رد مرا زدند و دستگیر شدم. من لحظه حادثه نتوانستم خشمم را کنترل کنم و الان هم خیلی پشیمان هستم و از اولیای‌دم درخواست بخشش دارم.»

متهم پس از اعتراف به قتل به دستور بازپرس جنایی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

فروشندگان مجازی داروهای کمیاب دستگیر شدند

دو مرد جوانی که در زمینه فروش داروهای کمیاب در فضای مجازی فعالیت می‌کردند، دستگیر شدند.

به گزارش جوان، چندی قبل مأموران پلیس فتا در راستای مبارزه با فروش داروهای کمیاب، با رصد در فضای مجازی از فعالیت یک کانال تلگرامی با تعداد ۴۳هزار دنبال کننده در زمینه فروش انواع داروهای نایاب و کمیاب باخبر شدند. با به‌دست آمدن این اطلاعات کارشناسان پلیس فتا تلاش خود را در این زمینه آغاز کردند تا اینکه موفق شدند، اطلاعات هویتی دو متهم را به دست آورند و در عملیاتی آنها را دستگیر کنند. داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات گفت: «مأموران پلیس از مخفیگاه دو مرد جوان بیش از ۴۰ هزار قلم انواع داروی کمیاب و نایاب کشف کردند.»

آتش‌سوزی مرگبار در کارگاه نجاری

حادثه آتش‌سوزی در یک کارگاه نجاری در مرتضی‌گرد در جنوب تهران، مرگ یک زن ۶۵ ساله و زخمی شدن مرد ۵۰ ساله را رقم زد.

به گزارش جوان، ظهر روز گذشته مأموران سازمان آتش‌نشانی از حادثه آتش‌سوزی در یک کارگاه نجاری در خیابان تختی مرتضی گرد باخبر شدند. با اعلام این خبر بلافاصله مأموران از ایستگاه نزدیک به محل حادثه اعزام شدند. بررسی‌ها نشان داد کارگاه نجاری که با وسعت ۱۵۰ متر دچار آتش‌سوزی شده‌است، در طبقه بالای آن واحد مسکونی قرار دارد که زن و مردی در آن زندگی می‌کنند.

مأموران بلافاصله عملیات اطفای حریق را آغاز کردند و موفق شدند همزمان با مهار آتش یک زن ۶۵ساله و یک مرد ۵۰ساله از میان آتش خارج کنند.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران گفت: «زن ۶۵ساله به دلیل شدت جراحات فوت کرد، اما مرد میانسال به بیمارستان منتقل شد. علت این حادثه در دست بررسی است.»